

# اثربخشی آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به

## اختلال یادگیری در شهر بجنورد

آرزو نیستانی<sup>۱</sup>، ملیحه عابدزاده<sup>۲\*</sup>، سحر سادات نظم بجنوردی<sup>۳</sup>

۱. گروه مشاوره واحد بجنورد دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.
  ۲. استادیار دانشگاه، گروه روانشناسی، غیرانتفاعی، اشراق، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول).
  ۳. گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دپارتمان علوم شناختی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
- 
- فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۶۵-۷۰

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری در شهر بجنورد بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش انجام، نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری در سطح شهرستان بجنورد بودند. با توجه به نامعلوم بودن تعداد اعضای جامعه آماری پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۶۰ نفر از مادران به‌عنوان نمونه در دو گروه ۳۰ نفره، کنترل و آزمایش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. پرسشنامه استفاده‌شده در این تحقیق شامل مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) بود. برای تحلیل داده‌ها و فرضیه‌ها از روش آزمون آماری «تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر» و نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**واژگان کلیدی:** آموزش مهارت‌های دیالوژیکی، تاب‌آوری، اختلال یادگیری.

## مقدمه

اختلال یادگیری، زمانی، در زمره کم‌توانی ذهنی قرار داشت، اما پژوهشگران دریافته‌اند برخی از کودکان با وجود هوشبهر عادی یا حتی بیشتر از عادی و با وجود کوشش زیادی که از خود نشان می‌دهند در یادگیری برخی از دروس آموزشی ناتوان هستند. این افراد را کودکان با ناتوانی یادگیری نامیدند (مول و همکاران، ۲۰۱۴). ناتوانی یادگیری به عقب‌افتادگی، اختلال یا رشد به تأخیر افتاده، در یک یا چند فرایند از تکلم، زبان، خواندن، نوشتن، محاسبات و یا دیگر موضوعات آموزشی اطلاق می‌شود که هرگز نمی‌توان آن را به‌عنوان عارضه‌ای از عقب‌ماندگی ذهنی، محرومیت حسی و عوامل آموزشی و فرهنگی محسوب نمود (کامکاری و شکرزاده، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها به‌روشنی نشان می‌دهند که مادران در مقایسه با پدران، تنیدگی بیشتری را تجربه می‌کنند، اولین و اصلی‌ترین مراقبان کودک هستند، نسبت به آینده کودکان نگرانی بیشتری دارند و خود را مسئول می‌دانند، مناسب‌ترین فرد برای هدایت کودکان تا بزرگسالی هستند و بار اصلی مراقبت‌ها و انسجام خانوادگی بر دوش آن‌هاست (مؤیدین و متی، ۲۰۱۸). همچنین در پژوهشی نشان داده شد مادران کودکان مبتلا به اختلال یادگیری، فشار روانی زیادی تحمل می‌کنند و سلامت عمومی کمتری دارند (کارانده و کولکارنی، بی‌تا).

تاب‌آوری نقش مهمی در جلوگیری یا بروز بسیاری از اختلالات روان‌پزشکی از خود نشان می‌دهد. تاب‌آوری توانایی برگشتن و بهبود پیدا کردن، انعطاف‌پذیری، عزت‌نفس مناسب، توانایی تعیین اهداف قابل‌دسترس و واقعی، توانایی استقلال رأی، توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و توانایی حل مشکلات را دارند (مرادی‌کیا و همکاران، ۲۰۱۷).

از طرفی، خانواده کودکان ناتوان ممکن است به اشکال گوناگون فشار روانی، انزوای اجتماعی و مشکلات سلامت روانی را تجربه کنند (سبزمش و همکاران، ۲۰۲۱). افرادی که تاب‌آوری بالایی دارند در شرایط استرس‌زا و موقعیت‌های ناگوار، سلامت روان خود را حفظ کرده و دارای سازگاری روان‌شناختی هستند به‌طوری‌که در برخورد با مشکلات و فشارهای زندگی، با تسلط بر افکار، هیجانات و رفتار خود، آمادگی لازم برای مقابله با چالش‌های زندگی را به دست می‌آورند (والش، ۲۰۱۵).

یکی از مهارت‌های تأثیرگذار در این‌باره، مهارت‌های دیالوژیکی است. دیالوگ به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن کلمه، سخن و تفکر بین افراد تبادل گردد. دیالوگ، مهم‌ترین راه انسان‌ها برای برقراری ارتباط می‌باشد. گران‌مایه سخن گفتن، اعتلا بخشیدن به شنیدن، تعلیق قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌ها و احترام گذاشتن به عقاید دیگران از جمله مهارت‌هایی است که دیالوگ با خود به ارمغان می‌آورد. دیالوگ، سازوکاری است که در طی آن سخن و محتوا میان افراد مختلف تبادل می‌شود. دیالوگ رابطه‌ای میان حداقل دو ذهن بوده که در مقابل رابطه مونوگ قرار دارد و غالباً مبتنی بر مناظره، گفت‌و شنود و مباحثه می‌باشد (اسلامیان و همکاران، ۲۰۱۸). دیالوگ، تأثیر بسزایی در پرورش اندیشه و شخصیت افراد دارد، به‌گونه‌ای که فرد را برای حل مشکلات خود و جهان پیرامون مهیا نموده و فرصتی فراهم می‌کند تا بتواند به ارزیابی مجدد تفکرات و باورهای خود پرداخته و به دنبال بهبود آنان باشد. به میزانی که سخن گفتن در فرآیند دیالوگ اهمیت دارد، گوش دادن نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌صورت طبیعی هرگاه بتوان به اندیشه دیگران گوش داد، قادر به درک آن نیز خواهیم بود (مشیدی و غربی، ۲۰۱۶). به بیان دیگر استفاده از دیالوگ (آموزش‌های مبتنی بر دیالوگ)، در مطالعات انسانی و جامعه‌شناختی می‌تواند به‌عنوان یک روش آموزش موردپذیرش و قابل‌استفاده باشد. در بسیاری از مطالعاتی که در پی پاسخ برای پرسش‌های عمیق هستند، روش مبتنی بر دیالوگ می‌تواند از اعتبار ویژه‌ای برخوردار باشد. چراکه دیالوگ تأثیر به‌سزایی در پرورش اندیشه و شخصیت افراد داشته و آدمی را برای حل مشکلات خود و جهان پیرامون آماده‌تر می‌سازد، موجب خوداندیشی شده و فرصتی به افراد می‌دهد تا با بازبینی افکار خود در راه تعالی آن‌ها گام بردارند.

دیالوگ سبب دستیابی به الگوها و شیوه‌های صحیح تفکر شده و منجر به پرورش قوه خلاقیت می‌شود (احمدی، ۲۰۱۴؛ نیستانی و همکاران، ۲۰۱۶).

بدین منظور در این پژوهش هدف این است که اثربخشی آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری بررسی گردد. با بررسی و واکاوی پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی در زمینه هر یک از متغیرهای مورد مطالعه، می‌توان گفت پژوهش‌های پیشین هر یک از متغیرهای تحقیق را به‌صورت جداگانه بیشتر مطالعه کرده‌اند و پژوهشی به بررسی جامع و آکادمیک بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری در شهرستان بجنورد نپرداخته است؛ بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده انجام این تحقیق بسیار کاربردی و ضروری می‌باشد و می‌تواند به مادران و به‌صورت کلی خانواده‌های دارای فرزند با اختلال یادگیری و سازمان‌های مربوطه کمک شایانی نماید. در این راستا فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری تأثیر مثبت و معناداری دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است و جامعه آماری، شامل کلیه مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری سطح شهرستان بجنورد بود. حجم نمونه طبق نظر دلاور و گال و گال (۲۰۱۷) برای پروژه‌های تحقیقی آزمایشی، حداکثر ۳۰ نفر برای هر گروه توصیه شده است که در این پژوهش تعداد نمونه هر گروه آزمایش و کنترل ۳۰ نفر است. لذا از میان مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری، تعداد ۶۰ نفر، به‌صورت هدفمند انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه، شامل یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل، هر گروه ۳۰ نفر گماشته شدند. قبل از مداخله، پیش‌آزمون برای هر دو گروه اجرا گردید و پس‌از آن گروه آزمایش تحت آموزش مهارت‌های دیالوژیکی به مدت ۱۰ جلسه قرار گرفت و گروه کنترل هیچ مداخله درمانی دریافت نکردند. بعد از مداخلات درمانی، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد.

### ابزارها

**مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (CD-RISC):** این ابزار توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) طراحی شد و از ۲۵ گویه مدرج پنج‌گزینه‌ای از هرگز تا همیشه تشکیل شده است و در مقیاس لیکرت ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. کانر و دیویدسون ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹؛ و همبستگی‌های گویه با کل مقیاس را ۰/۳۰ تا ۰/۷۰. گزارش کردند. همچنین کانر و دیویدسون با بررسی ارتباط مقیاس تاب‌آوری با ابزار سرسختی کوباسا ( $r=0/83$ ) و مقیاس استرس ادراک‌شده ( $r=0/76$ ) و مقیاس آسیب‌پذیری نسبت به استرس شیپان ( $r=0/32$ )، روایی این ابزار را مطلوب گزارش کردند (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). بیگدلی، نجفی و رستمی (۱۳۹۲) همسانی درونی این مقیاس را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آوردند. همچنین کیهانی و همکاران (۱۳۹۳)، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۹ و با روش دو نیم سازی ۰/۶۶ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر گروه آزمایش تحت آموزش مهارت‌های دیالوژیکی قرار گرفته‌اند که ساختار و محتوای جلسات درمانی به شرح زیر انجام گرفته است:

مهارت‌های دیالوژیکی: مهارت‌های دیالوژیکی به مادران طی ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای به شرح زیر مورد آموزش قرار گرفتند:

جلسه اول: اهمیت و ضرورت یادگرفتن مهارت‌های دیالوژیکی و توضیح کلی در مورد دیالوگ

جلسه دوم: تفاوت معنایی واژه دیالوگ با سایر کلمه‌هایی که در نگاه عامه مردم به معنی دیالوگ برداشت می‌شود مثل صحبت کردن، بحث کردن، مناظره، گفت‌وگو

جلسه سوم: آموزش اصل تعلیق قضاوت و خودآگاهی

جلسه چهارم: توضیح مختصری از ۴ جلسه گذشته و آموزش اصل پرسشگری

جلسه پنجم: آموزش اصل گوش دادن  
 جلسه ششم: آموزش اصل آرامش ذهنی  
 جلسه هفتم: آموزش اصل احترام گذاشتن  
 جلسه هشتم: آموزش اصل همدلی و عشق به انتقاد  
 جلسه نهم: آموزش اصل برابری موضع فکری

جلسه دهم: صحبت در مورد آفرینش و خلق معنا، همچنین به جمع‌بندی کلی در مورد مواردی که در جلسات قبلی بیان شده بود.

محقق پس از اخذ معرفی‌نامه و مجوزهای موردنیاز برای برگزاری جلسات آموزشی و هماهنگی اقدام به برگزاری دوره آموزشی به صورت مجازی و از طریق نرم‌افزار skype نموده و پس از تهیه پرسشنامه مربوطه به صورت الکترونیک، آن‌ها را از طریق اینترنت برای اعضای جامعه آماری تحقیق ارسال نمود تا پرسشنامه مذکور را تکمیل نمایند.

#### یافته‌ها

وضعیت نمرات پیش‌آزمون-پس‌آزمون نگرش فرزند نسبت به مادر، عزت‌نفس و مهارت‌های ارتباطی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص توصیفی تاب‌آوری

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		Mean	SD	Mean	SD
تاب‌آوری	کنترل	۲/۳۷	۰/۲۰۵۱	۲/۷۲	۰/۷۸۲۰
	آزمایش	۲/۴۵	۰/۱۲۴۸	۳/۵۸	۰/۳۱۰۵

نتایج جدول نشان می‌دهد میانگین متغیر تاب‌آوری در پیش‌آزمون در گروه‌ها نزدیک به هم، اما در پس‌آزمون میانگین این دو شاخص در گروه آزمایش که در معرض متغیر مداخله‌گر (آموزش مهارت‌های دیالوژیکی) قرار گرفته است به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

جدول ۲. نتایج بررسی توزیع نرمال داده‌ها با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیر	نوع آزمون	سطح معنادار	نتیجه
تاب‌آوری	پیش‌آزمون	۰/۱۳۱	نرمال
	پس‌آزمون	۰/۰۶۴	نرمال

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که متغیر پژوهش از توزیع نرمال برخوردار است لذا برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون کوواریانس استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل در میزان تاب‌آوری

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه اثر
تاب‌آوری	اثر پیش‌آزمون	۱۱۹۰/۰۶۲	۱۱۷۵/۰۶۲	۱۲/۴۱۳	۰/۰۰۰	۰/۶۷
	گروه	۱۵۹۸/۵۶۱	۱۶۳۸/۶۲	۱۵/۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۴۴
	خطا	۷۱۲۶/۵۲۱	۳۲۹/۳۵۸			

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد با حذف تأثیر متغیر پیش‌آزمون و با توجه به ضریب F محاسبه‌شده، مشاهده می‌شود که بین میانگین تعدیل‌شده نمرات تاب‌آوری برحسب عضویت گروهی (گروه آزمایش و کنترل) در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری مشاهده می‌شود ( $P < 0.05$ )؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری تأثیر مثبت و معناداری دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تأثیر آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری در شهر بجنورد بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری تأثیر مثبت و معناداری دارد. یافته‌های حاصل از مطالعات اکاس، لیکنبراک و ویتمن (۲۰۱۰) و بوید (۲۰۰۲) با یافته‌های پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت در مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری به دلیل مشکلات مزمن کودک، نوعی آزرده‌گی روانی و بدکارکردی هیجانی و عاطفی ایجاد شده است که مانع از پردازش عاطفی و هیجانی سازنده می‌شود (توفیقی محمدی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ بنابراین آموزش مهارت‌های دیالوژیکی با به کار بردن اصل آرامش ذهنی، همدلی و همچنین عشق به انتقاد موجب افزایش پردازش عاطفی و هیجانی کارآمد در این افراد می‌شود. شکل‌گیری چنین روندی از طریق آموزش مهارت‌های دیالوژیکی در طی آموزش به مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری اجازه می‌دهد تا مسائل و مشکلات عاطفی خود را بهتر درک کنند و ذهنشان را برای فهمیدن احساس‌های خود بکشایند. این امر نشان می‌دهد که مناظره و گفتگو مبتنی بر تفکر و گفتگوی عقلانی و مشارکت تعاملی آن‌ها در مباحث مورد نظر و برقراری ارتباط دیالوگ محور گفت‌وگوشنودی میان مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری می‌تواند میزان تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری آن‌ها را در برابر انواع مشکلات چنین کودکانی به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد و همچنین، سازگاری و انطباق آن‌ها با مسائل و چالش‌های مختلف کودک دارای اختلال یادگیری را بالا ببرد که این امر می‌تواند به سلامت روان چنین مادرانی کمک شایانی نماید. مهارت‌های دیالوژیکی و گفتگو محور می‌تواند فرد را برای مواجهه با موقعیت‌های دشوار زندگی آماده سازد. به این معنا که مادرانی که تحت آموزش مهارت‌های دیالوژیکی قرار گرفته‌اند توان بیشتری برای سازگاری و هماهنگی با تغییرات محیطی داشته و توانایی انعطاف‌پذیری بسیاری در هنگام مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی خود دارند و در برقراری ارتباط صحیح و مطلوب‌تر با کودک دارای اختلال بهتر عمل می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند حتی در شرایط نامطلوب و سخت زندگی با فرزند دارای اختلالشان، آرامش خود را حفظ نموده و به صحبت‌های کودک گوش فرا داده و با وی به گفتگو و بحث می‌پردازد. می‌توان آموزش مهارت‌های دیالوژیکی را به‌عنوان مهارت‌های ارتباطی تخصصی دانست که برای برقراری روابط صحیح از طریق دیالوگ ضروری است و می‌تواند سطح تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری را ارتقا بخشد. پژوهش حاضر نیز همانند هر پژوهش دیگری دارای یک سری محدودیت‌ها بود یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر که می‌توان به آن اشاره کرد اجرای پیگیر جلسات آموزشی به‌منظور تثبیت و اثربخشی هر چه بیشتر درمان از طریق برگزاری جلسات حمایتی به‌صورت دوره‌ای امری مهم در تثبیت درمان‌های روان‌شناختی بوده که در این پژوهش لحاظ نشده است. پیشنهاد می‌گردد پژوهش روی سایر گروه‌ها از جمله خانواده‌های کودکان با سایر اختلالات رایج عصب‌شناختی مانند اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی، اختلال سلوک و اختلالات طیف اوتیسم نیز انجام گیرد. با توجه به اثربخشی آموزش مهارت‌های دیالوژیکی بر تاب‌آوری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری، پیشنهاد می‌شود مهارت‌های دیالوژیکی به درمان‌گران مشاوران مراکز مشاوره و کلینیک‌های روانشناسی مرتبط با کودکان اختلال یادگیری معرفی تا آن‌ها با به‌کارگیری این مهارت، برای بهبود وضعیت شناختی و روان‌شناختی مادران این کودکان گامی عملی بردارند. آموزش این مهارت به والدین کمک می‌کند تا با پذیرش خود و وقایع بیرونی، تاب‌آوری بیشتری را تجربه کنند.

## References

- Ahmady, M. S. (2014). The impact of religion-based communication skills on the improvement of self-esteem and mental health among students. *Journal of Zanzan University of Medical Sciences & Health Services*, 22(90).
- Baghernezhad Hesari, F., Morowatisharifabad, M. A., Sharifzadeh, G., Miri, M. R., Vahdaninia, V., & Dastgerdi, R. (2019). Predictive factors of self-esteem in adolescent girls. *Payesh*, 18(6), 537–545.
- Breiner, H., Ford, M., Gadsden, V. L., & National Academies of Sciences, Engineering, and Medicine. (2016). Parenting knowledge, attitudes, and practices. In *Parenting matters: Supporting parents of children ages 0–8*. National Academies Press.
- Coopersmith, S. (1967). The antecedents of self-esteem. W. H. Freeman.
- Delavar, A. (2016). *Research method in psychology and educational sciences*. Virayesh Publications.
- Eslamian, H., MirshahJaffari, S. E., & Neyestani, N. (2018). The effect of teaching dialogical skills to faculty members on their effective teaching performance. *Iranian Journal of Medical Education*, 18, 117–129.
- Forghani Targhi, A., Javanbakht, M., Bayazi, M., Sahebi, A., Vahidi, S., & Drooger, K. (2013). Comparison of the effectiveness of cognitive-behavioral group training and reality therapy on self-esteem of high school students. *Principles of Mental Health*, 14(2), 172–180.
- Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (1996). *Educational research: An introduction* (A. Nasr, H. Arizi, M. J. Pakseresht, K. Baghery, & M. H. Alamatsaz, Trans.). Organization for the Study and Compilation of Humanities Books (Samt). (Original work published 1996).
- Ghasemi Yazdabadi, M. (2016). Content of verbal communication based on verses of the Holy Quran on reducing mother-adolescent conflicts. *Consulting Research*, 14(54).
- Hadson, A. D., & Hitz, W. D. (1982). Metabolic responses of glycophytes to plant water deficit. *Annual Review of Plant Physiology*, 33, 163–203.
- Hadson, P. (1992). Health visitors: Preventing postnatal illness. *Nursing Times*, 88(43), 68–70.
- Hossein Chari, M., & Fedakardavarani, M. (2006). Investigating the effect of university on communication skills based on comparison of students. *Daneshvar Behavior*, 12(15), 21–32.
- Jang, H.-J., & Jeon, M.-K. (2015). Relationship between self-esteem and mental health according to mindfulness of university students. *Indian Journal of Science and Technology*, 8(21), 1.
- Kheirkhah, M., Mokarie, H., Nisani Samani, L., & Hosseini, A. (2013). Relationship between anxiety and self-concept in female adolescents. *IJN*, 26(83), 19–29.
- Mashidi, J., & Gharbi, Z. (2016, Month Day). The study of dialogue in the teachings of Masnavi [Paper presentation]. Eighth Conference of Persian Language and Literature Research, City, Country.
- Mazaheri, A., & Rezakhani, S. (2017). The effectiveness of communication skills training in increasing self-esteem and reducing parent-child conflicts in high school girls. *Research in Educational Systems*, 11(37), 131–149.
- Mohamadikarkani, A., Dortaj, F., & Kiamanesh, A. (2019). The effectiveness of social-emotional skills with YCDI on behavioural disorders and academic performance of female high school students of district 1 Tehran city. *Journal of Instruction and Evaluation*, 12(45), 133–150.
- Mostaghimi, M., & Shafiabadi, A. (2018). The effectiveness of communication skills training on self-esteem of 13 to 15 years old welfare girls. *Psychological Methods and Models*, 2(9), 17–30.
- Murphy, M. C., Steele, C. M., & Gross, J. J. (2007). Signaling threat: How situational cues affect women in math, science, and engineering settings. *Psychological Science*, 18(10), 879–885.
- Nasiri, M., Tafaq, M., Maghsoudi, J., & Hassanzadeh, A. (2002). A comparative study of adolescents' communication problems with parents from the perspective of adolescents and parents in selected public high schools in Isfahan. *Journal of Shahrekord University of Medical Sciences*, 3(2), 31–39.
- Neyestani, M., Nosrati Hashi, K., Mottaqi, Z., & Taybi, F. (2016). Investigating the relationship between teachers' character and dialogue-based education (Case study: University of Isfahan). *Teaching and Learning Research (Behavior Scholar)*, 22(7), 1–16.
- Ni, C., Liu, X., Hua, Q., Lv, A., Wang, B., & Yan, Y. (2010). Relationship between coping, self-esteem, individual factors and mental health among Chinese nursing students: A matched case-control study. *Nurse Education Today*, 30(4), 338–343.
- Nisi, A., & Shahni Yilagh, M. (2002). The effect of existence tool training on assertiveness, self-esteem, social anxiety and mental health of socially anxious high school male students in Ahvaz. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 8(1–2), 11–30.
- Razeghi, A., & Hossein Chari, M. (2011). Relationship between identity status and communication skills in nomadic and urban high school students. *Research in Educational Systems*, 4(9), 27–47.
- Sanai, B., Alaqmand, S., Falahati, S., & Hooman, A. (2018). *Family and marriage scales* (3rd ed.). Besat Publications.
- Sefidgar Naeini, M., & Kashmiri, F. (2017, Month Day). Determining the effectiveness of dialogue with a cognitive-behavioral approach on the life skills of male students and teachers of Farhangian University of Isfahan Province [Paper presentation]. Second National Conference on Teacher Training, Isfahan, Iran.
- Turki Herchegani, M., & Javadnouri, M. (2018, Month Day). The relationship between parenting style and the way of public conversation among mothers and adolescent girls [Paper presentation]. 2nd National Congress of Psychology and Psychosocial Injuries, Chabahar, Iran.